

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۵ جولای ۲۰۱۵

مجلس چهل ونهم (دربخشش)

قسمت اول

روز جمعه یازدهم ماه شعبان سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه فرمودند: «از عبدالله بن مبارک حکایت می کنند، که روزی سائلی به نزد او آمد و چیزی درخواست کرد، اما وی جزده عدد تخم مرغ چیزی در اختیار نداشت، به کنیزش دستور داد که آنها را به او دهد، اما دخترک نه عدد از تخم مرغ را به او داد و یک دانه را خود برداشت، هنگام غروب آفتاب مردی به در خانه عبدالله آمد، و گفت این سبد را از من بستانید، عبدالله سبد را از مرد گرفت و دید مقداری تخم مرغ در آنست، آنها را شمرد، نود عدد بود، به کنیز گفت: آن تخم مرغ دیگر را چکار کردی؟ مگر چند عدد به سائل بخشیدی؟ جواب دادند عدد را به او دادم و یک دانه را برای افطار خود برداشتم عبدالله بدو گفت، ده تخم مرغ بمن ضرر زدی». معامله بنده با خدا اینچنینست. بنده ای که مومن به کتاب و سنت است، مومنی که در تمام حرکات و رفتار خود، و در بذل و بخشش کوچکترین انحرافی از قرآن ندارد. اینان با خدای خود معامله می کنند، و در دنیا و عقبی سودمند و بهره مند می شوند. می بینند که درگاه خدا بروی بندگان باز است، پس داخل می شوند، و درگاه بندگان را بروی خود بسته می بینند، و از آن دوری می کنند. اگر بامردم موافقت دارند برای رضای خداوند است، نه بخاطر جلب رضایت ایشان. هر که خدا را دوست داشت، او را دوست می دارند، و هر که از خدا دور بود او را مبغوض می نمایند. یکی از بزرگان گفته است: «رضای خلق راجب جهت رضای خالق بجوی، نه رضای خالق راجب جهت رضای خلق، آنکه راجب این نوازش کن، و آنکه راجب این بشکنی، در راه اجرای اوامر خدا بشکن». قوم همواره در خط الهی قرار دارند، خدا آنرا در نفس خودشان و در برابر دیگران یاری می فرماید، از لومه لائم و طعن بدگویان باکی ندارند، و در برابر حکم شرع از احدی ترس و بیم ندارند.

(یا غلام) هوای نفس را از خود بدور کن، و از قوم- راستان- پیروی نما، چه در گفتار و چه در رفتار. با ادعای دروغین انتظار وصول بمقام آنان را نداشته باش، بر بلا صابر باش، هرگاه صابر بودی آنگاه بمقام بزرگان خواهی رسید. اگر آزمایش نبود هر بنده ای ادعای زهد و تقوی می کرد، اما آزمایش الهی می آید و صابرین و ناشکیبایان را از هم جدا می کند. هر که صابر نبود اجری ندارد. وقتی صبر را از دست دادی، وسیله خروج خویش را از بندگی حق فراهم کرده ای، خداوند متعال بوسیله نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) ابلاغ فرموده است: «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ فَلْيَتَّخِذْ إِلَهًا سِوَايَ»- (هر کس بقضای من راضی نبود، و بر بلا صبر نکرد، پس خدائی دیگری غیر از من برای خود طلب نمایند). پس بخدای برگرد و بدان هر آنچه که مقدر است بوقوع خواهد پیوست. تحقیقا به اسلام گردن نه، تابه ایمان برسی، ایمان را کامل گردان تابه یقین نایل گردی، آنگاه چیزهائی خواهی دید که هرگز ندیده ای حقیقت اشیاء را چنانچه هست بتو می

نماید، شنیده هایت را بدین بدل می کند، قلب را بر درگاه حق مقیم می کند، و از شگفتیها بدور می نمایاند. وقتی قلب واقف درگاه خلق شد، دست کرامت به سوی اومی آید و او را کریم و بزرگوار میکند، و او خلق را گرامی می دارد، اما به آنچه که در دست آنان است اعتنائی ندارد. قلب درست آنست که در رضای خدایصلاح آمده باشد، و باطن درست نیز آنست که از تیرگیها بکلی صاف شده باشد. مردان خدا چگونه این سان نباشند که اکرم الاکرمین آنان را مورد عنایت قرار داده است.

(یا قوم) بر شما لازم است که در اطاعت حق عزوجل ایثار نمائید. بدانید هر نعمتی که بامعصیت بدست آید، در معرض زوال و نابودی است. اکتساب درست آنست که باملازمت طاعت خدا و اجرای احکام شرع انجام شود، که در اینصورت در جنب اکتساب به مقام قرب هم خواهید رسید، و آن گاه خورد و خوراکیتان طبق فضل الهی خواهد بود، و این ازجائی به شما خواهد رسید که هرگز تصورش رانمی کرده اید.

هوای نفس حجاب وصول بحق است، هرگاه قدرت نفس زایل شد این حجاب نیز پاره می شود، روی این اصل بایزید بسطامی (رحمت خدا بر او باد) گفته است: خدای را در خواب دیدم، بدو گفتم: بار خدایا راهی که بسوی تو ختم می شود کدام است؟ فرمود، نفست را رها کن و بیا، و از پوست نفس چنان بدرآی که مار از آن خارج می شود. «خدای نفس را مینگرد، و به ترک متابعت آن امر فرموده است، چون دنیا و سایر لذایذ آن پیروان نفس اند، خداوند متعال فرموده است: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ»- (آنچه نفس آرزو کند و آنچه را که دیده از آن متلذذ شود در جنت وجود دارد. سوره زخرف آیه ۷۱).

حضرت شیخ بعد از این گفتار باز فرمودند: بزرگان، روز در کار مصالح خلق و تهیه وسایل زندگی اهل و عیالند، و شب در خدمت خدای عزوجل، و در خلوت با او، همانگونه که پادشاهان در روز با چاکران و اطرافیان، و به شب با وزرا و خواص معاشرت دارند. آنچه را بشما می گویم با گوش هوش بشنوید، خدای شمارا رحمت کند، گفتار را حفظ نمائید و بدان عمل کنید، چون من جز از جانب حق و گفتار حق چیزی بر زبان نمی آورم، چیزی نمی گویم جز بطریق حق، پس بدین راه بگروید.

رضایت من از شما منوط به تحسین تمجید کردنم از سوی شما نیست، بلکه باید با زبان دل سخنان مرا تصدیق و تحسین کنید، و آنرا بکار بندید، و در اعمالتان از خود اخلاص نشان دهید، هرگاه من این را از شما دیدم، بشما خواهم گفت احسنت. تابکی به نفس و دنیا و خلق دنیا وابسته ای، بدان که خلق حجاب نفس و نفس حجاب قلب است، قلب حجاب باطن. تا با خلق باشی نفست رانمی بینی، هرگاه از خلق بریدی و نفست را دیدی آنوقت میدانی که اودشمن خود و خدایت است، پس با او بمنازعه بپرداز تا بدرجه مطمئنه برسد، و به وعده های خداوند شاد شود، و از عذاب وی بترسد، و امر خدا را گردن نهد و از منهیات او بر حذر باشد، و بمقدرات و خواستهای او توافق نمائید، در اینحال حجابها برداشته می شود، و بدین نادیده ها موفق می گردد، و جز بخدای عزوجل به کسی التجا نمی کند.

عارف جز بخدا به چیزی دلبستگی پیدانمی کند، نه خواب دارد نه آرام، همواره بیاد خداست، و جز اودوستی ندارد، اودرودی شناخت است، امواج علم خودآگاهی زمانی او را بالامی برد و زمانی پائین می آورد، از خود غیب است و در فضی شناخت مبهوت، کور است و کر، غیر از خدا از کسی نمی شنود، در دست قدرت حق بصورت مرده بی جلال قرب است، و هر وقت زمان خروج را دید بر درگاه مقیم است، واسطه ای است میان خلق و خالق، این است حال عارف در ظاهر و باطن، و مقامات دیگری را نیز دارند که پوشیده است.

(یا قوم) شما چه هستید؟ غرق در هوای و هوسید، روزگار را تباه می کنید. در قبال خدا صبر داشته باشید، تا از خریدن و دنیا بهره مند شوید. اگر خواهان حقیقت اسلام هستید، و اگر قرب حق را خواستارید، باید در برابر مقدرات و خواستهای او بدون چون و چرا راضی باشید، بدینوسیله است که می توانید به مقام قرب برسید. جز آنچه را که خداوند می خواهد،

شما چیزی اراده نکنید. خدای عزوجل فرموده است: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»-(چیزی نمی خواهند جز آنچه خداوند می خواهد.سوره انسان آیه ۳۰).

اگر آنچه را که خواستی، انجام نشد، با فعل واراده خداوند منازعه مکن. اگر عوض و مال و سلامت و فرزندت را گرفت، بر تقدیر واراده اولبختد بزن. اگر طالب صفا و قربی باید که اینچنین باشی. اگر می خواهی قلبت به قرب خداوند رسد، و خود در این دنیا باشی، اندوه خود را پنهان دار، چهره ات را شاد و خندان به دیگران بنما. خداوند مردم را با خلق و خوی نیکو آفریده است. رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «بَشِّرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»-(شادمانی مومن در چهره اوست، و اندوهش در دل). از خدایه خلق شکایت مکن، هرگاه چنین کردی از نظر خداوند خواهی افتاد، اما متأسفانه غالباً این شکوه و شکایت را انجام میدهی. به عمل خویش مغرور مباش، زیرا خود پسندی و غرور اعمال را فاسد و تباہ می سازد. هر آنکس که توفیق خداوندی شامل حالش شد، عجب و غرور از زمینه اعمالش حذف می گردد. تمامی قصد خود را در وصول به حق خلاصه نما، تا خداوند نیز وسیله و اسباب وصول را برایت آماده و مهیا سازد. اما در حالیکه در رفتار و گفتارت آثار دروغ و کذب مشهود است، چگونه میتوانی اینچنین قصدی داشته باشی؟

هر که طالب مدح و ستایش دیگران باشد، از ذم و بدگویی آنان نیز بیم دارد. اما بدان که راه حق کاملاً مبتنی بر صدق و راستی است. قول و عمل قوم – راستان- صدق بدون هرگونه کذب است. آثار صدق و راستی در اعمالشان بیشتر از گفتارشان عیان و آشکار است. آنان نایبان حقتد، و خلفای اودرمیان مردم. نقاد و صیرفی آگاه و پاسبان روی زمینند و خاص خدایند. تو، ای منافق، چه نسبتی با آنان داری؟ بالین نفاق، ایشان را زحمت مده، باقال و قیل و تمنی کاری از پیش نخواهی برد.

بار خدایا، ما را از مره صادقین بگردان.

و«آتَانَفَى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفَى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» آمین.

(پایان قسمت اول)